

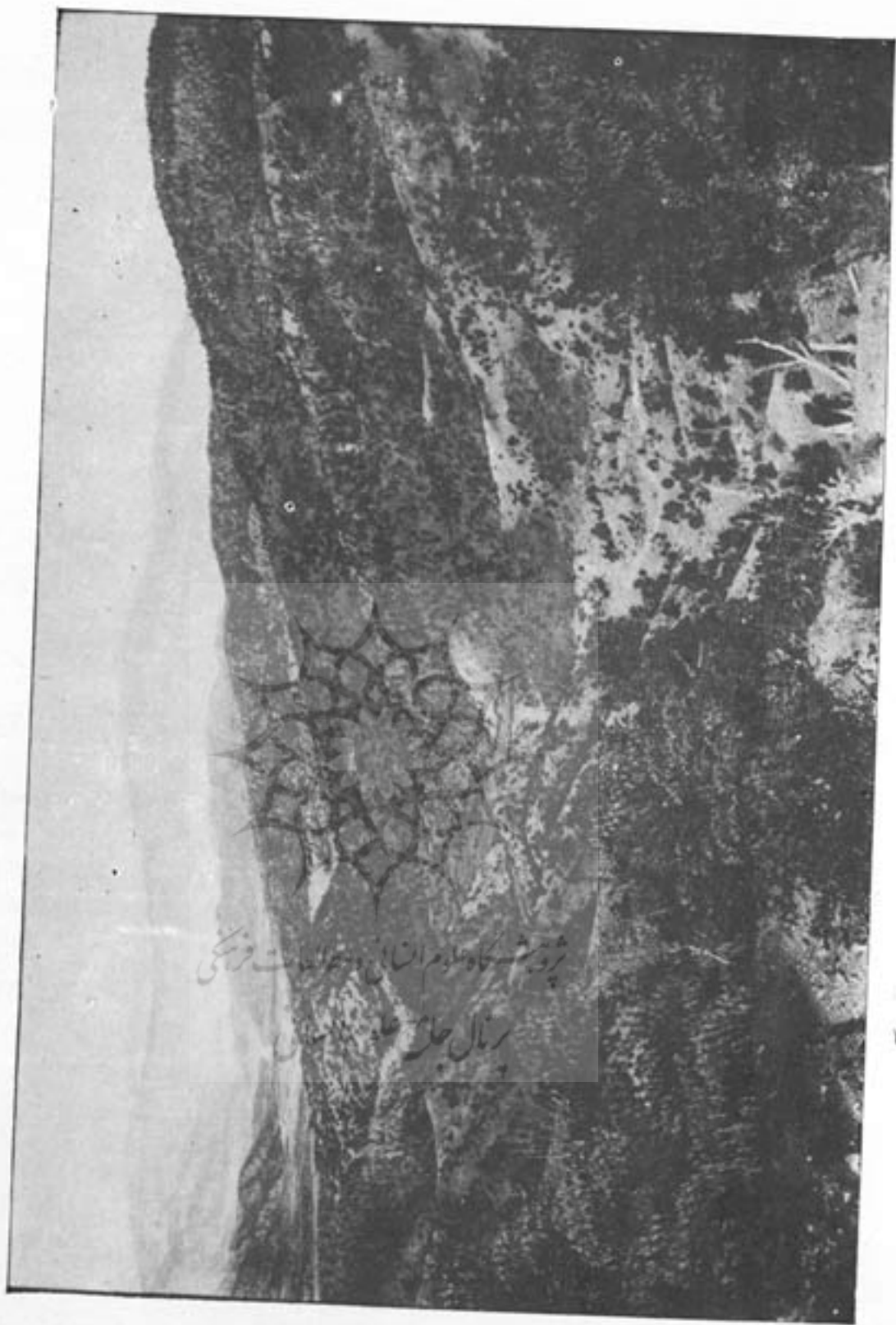
ترجمه عبدالمغفور خان امینی

پیترا

« پیترا » شهر خاموش و متر و کم اورای اردن و پایتخت قدیمه نبطیها که در نصف راه بین بحرالمت (بحر لوط) و خلیج عقبه کائن است بر افکار آنانیکه بشناخت آن تمایل دارند ، سحر پر دازی میکند . راه یگانه بر تکلیف آن که خیلی عمیق در میان کوهها واقع و از انداز یک میل طول دارند - معابد آن که در تعداد قریب یک هزار بود و در کوههای مرتفع کنده شده از نفوذ بابلیها ، مصریها ، یونانیها و رومیها نمایندگی میکند - محلات عالیه ، محاکم ، محوطهها ، وادیهای آبخیز و قربانکسای آن که مورد پرستش قدما بود - و بالاخره رنگ آمیزیهای بهت آور آن ، رو بهمرفته مناظر اسرار آمیز و جذابی را ارائه میدهد .

این شهر گلرنگ تاریخی دارد که خیلیها پیش از ایجاد خط ، آغاز کرده . در نزدیکی آن چنان آلات چقماقی یافت شده که متعلق بدوره اول سنگ بوده و هزارها سال بیشتر از زمان تاریخ وجود داشته است .

نخستین تاریخ تحریری « پیترا » در تورات دیده میشود ، چنانچه در سفر التکوین مذکور است که در اطراف پیترا « کوه قدیمه سیر » (Seir) (اشیراء Eshshora امروز) وقوع دارد که حوریها Horites یعنی مغاره نشینان اخلاف حوری ، نواده سیر ، در آن توطن داشتند - و حوریهای مزبور اولین بار



پروفسور سکاوه علوم انسان و سلامت فریبندی
سرناں جلی

یکی از مناظر دلچسپ با تروت چمکنی ، فوتو گراف است متعلق شماره ۹ سال ۶-۶ آئینه



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در زمان حضرت ابراهیم (ع) ، توسط « جدور تومر » بزیر تالیعت آورده شدند .
 حضرت ابراهیم دو پسر داشت : اسحق ، (جد عربهای کنعان) و اسمعیل ،
 حدبیطی ها . وقتیکه بین پسران حضرت اسحق یعقوب و عیص کشیدگی واقع شد ،
 عیص باخا نواده و گله های خود بکوه شیر (المشیرا) هجرت گزید و از وظائفه
 « ایدومی » بوجود آمد . ایدومی ها با عبریهاییا اخلاف پسران دوازده
 گانه حضرت یعقوب ، خصومت شدیدی داشتند - و سول Saul با ایدومی ها
 جنگ کرده (I Sam . 14 ، 47) .

حضرت داؤد (ع) ایدومی ها را بزیر اطاعت آورد و در علاقه ایشان عساکر برای
 امن و انتظام بگذاشت . حضرت سلیمان (ع) نیز بر آنها حکمرانی داشت (I Kings II , I - 16)
 از زمان سول یعنی از ۱۰۹۵ قبل المیلاد تاحد و د ۷۴۰ قبل المیلاد
 یهودا کم و بیش بر ملک ایدومی ها تسلط داشت - اما بعد از یهودا ، اخلاف
 عیص سر بر آورده صاحب قدرت و املاک گردیدند . اما خود ایشان نیز بواسطه
 نبیطی ها اخراج و انحلال پذیرفتند . همین نبیطی های حضرت اسمعیل بود که « پیترا »
 را پایتخت قرار داده و اکثریه آبدائی را که امروز بنظر میرسد بنا نهادند .
 پیترا قرنهای متمادی ، شهر پر ثروت کاروانی و معبر دنیای قدیم بود . این
 شهر باندازه اهمیت داشت که رومانیها برای استفاده ثروت آن ، دوسرک تعمیر
 کردند - اما با اقراض روما ، پیترا نیز سقوط کرد و باستثناء چند قبیله محدود
 صحرائی که بحال فلاکت و ادبار در مغاره ها زندگی میکردند (بعضی از آنها
 تا هنوز بهمان حال حیات بسر میبرند) پیترا دیگر از نظر دنیای خارج بکنار
 افتاد و متجاوز از هزار سال بهمین وضع باقی ماند .

در سال ۱۸۱۲ جان ایویس برکارت، سیاح سوئسی، بلباس شیخ بدو بان در آنجا رسیده و اسرار آنرا بعالم افشا نمود. پیترا در آنوقت نزد عرب ارض مقدسی بحساب رفته و رود اغیار در اینجا خالی از خطر نبوده.

بعد از سیاحت «برکارت» خیلی کم از مستکشفین بدیدن آن کوشیدند و در واقع پس از جنگ عمومی هم، باستثنای مهتورین، کسی وارد آن شده نمیتوانست و حتی امروز علاقه مندان بدون مستحفظین مسلح رفته نمیتوانند. اما درین اواخر با اینکه از راه تجارت دور افتاده، برای پذیرائی مهمانان و سیاحین جدی و با عزم، آماده و یکمده خیمه ها برای استراحت ایشان مهیا گردیده است.

وقتی از بیت المقدس تا پیترا و برعکس، تقریباً یک ماه سفر کاروانی در میان بدویان قانون ناشناس و متمرّد، لزوم داشت. ساختمان راه آهن مکه از دمشق تا مدینه منوره، اولین قدمی در افتتاح دروازه ابن ملک (پیترا) بر روی جهانیان محسوب میشود. پس آنها شوسه از بیت المقدس به «معان» رفته و از آنجا بصورت سرک خامه تا «الجی» Eilat امتداد یافت. هر دو جاده موتر و بوده و فقط بفاصله دو میل از شهر پیترا خاتمه می یابد. امروز طیاره هم سیاحینی را که عازم پیترا باشند، تا به «معان» میبرد.

راهای ورود به پیترا: راهائیکه به پیترا میرود بقراردیل بوده و همه در «معان» انجام می یابند: - ۱- راه آهن دمشق و امروز چند ان ازین راه سفر نمی کنند. - ۲- از بیت المقدس بذریعه موتر و این راه زیاده تر معمول است - ۳- توسط طیاره که جدیداً عملی گردیده.

«معان» قریه ایست از خشت خام و اطراف آن را باغهای دیوار دار درخت خرما انجیر، سبزیجات فرا گرفته و در حواشی آن بیابان طباشیری افتاده است. در اینجا يك مکتب انگلیسی وجود دارد، و سیاحین از مکالمه جوانان عرب بزبان انگلیسی اغلب متعجب می شوند.

از قریه «معان» راه موتر و بطرف شمال غرب رفته و از «عین موسی» گذشته به «الجبی» میرسد. و در اینجا بدویان با اسپها و بابوهای خود، منتظر ورود سیاحین میباشند. قریه الجبی از خیمه های موی بز تشکیل یافته و متوطنین آن در زمستان از مناطق سردسیر بوادیهای گرم هجرت میکنند. و پیشه ایشان زراعت بوده و زمین بذریعه عین موسی آبیاری میشود.

سیاح با گذاشتن قریه الجبی، آخرین مظهر تمدن عصر حاضر را نیز ترك گفته و بمظاهر مدنیت دوهزار سال قبل، بر میخورد. و اولاً از نشیب های تند و لخشان آهکی فرود آمده، وادی موسی را تعقیب و به سد مستحکمی که قسمت شرقی جبال آهکی سرخ رنگ دورادور پیترا می باشد، واصل میگردد. درین نقطه وادی موسی عمیق شده و چنان معلوم می شود که برون تگانه بن بسته خواهد بود. ولی دست قدرت سد مزبور را شکافته راه باریکی می کشاید. این راه باریک و طویل را عربها «الشق» نامیده اند. و از میان آن در زمستان سیلها با جوش و خروش جریان داشته پس از عبور از شهر پیترا و وادی العرب به «وادی الصیغ» میریزد سیاح که از «باب الشق» قدری پیش برود به شهر محزو به کوچکی که از مضافات پیترا محسوب میشود، بر میخورد از اشیای دلچسپ این خرابه زار، همان مقابر آنست که برخلاف آبدات درون شهر پیترا از يك پارچه سنگلاخ بصورت بناهای مجزا و علیحده تراش یافته است.

بعلاوه دارای گنبد هائیت که در قسمت آهکی و سفید کوه تراش و در میان آنها
اطاقهای کوچکی اعمار گردیده. و ازین نوع اطاقها در حصص بلند کوههای اطراف
بکثرت دیده میشود و میگویند خانه های مردم قدیم و مغازه نشینی است که قبل
از تعمیر ایدوم «Edom» بدست بنی عیص، در کوه «سیر» زنده گی میکردند.
از انجنیرهای قدیم در جلو گیری از ظغیان آب: در باب الشق آثار یک
تونل مشاهده می شود که خیلی استادانه در میان کوه به طرف شمال کنده شده بود
این تونل و نیز یک بند دیگر، برای سیلهائی که در الشق مذکور جمع و جریان یافته
وراء ورود بشهر بیترا را در مواقع طوفان مسدود میکند، راه پیدا کرده آب را
به وادی موسی خارج میکند. طول الشق بطور مستقیم ۶۰۰۰ فوت است، لکن
در حقیقت بواسطه پیچ و خمهای متعدد خیلی بیشتر میباشد. زمانی روی جاده الشق
از سنگ مفرش و در جدار آن برای جریان آب بارانهای بهاری در شهر، جویها
کنده شده بود. تنگ ترین نقطه الشق ۲۰ فوت و وسیع ترین نقطه آن تقریباً
۶۰ فوت عرض دارد. جداولهای هر دو طرف آن با اندازه بلند است که انسان
از بالا بمثل مورچه معلوم میشود. و در روی آنها طاقچه ها و مزارات کوچکی
کنده شده. که مسافرین قدیم بغرض باز گشت صحیح و سالم، در آن نذر میدادند
باقیدارد

